

پرسش و پاسخ ندای آزادی از فعالان سیاسی درباره‌ی فدرالیسم در ایران انور میرستاری

ندای آزادی: آیا دولت غیر متمرکز همان دولت فدراتیو است؟ اگر نه تفاوت آن‌ها چیست؟

انور میرستاری: اگر منظور از دولت غیر متمرکز، بیرون کردن قدرت از چنگ دولت مرکزی و شکستن دموکراتیک و اصولی آن باشد، آری، همان فدراتیو و اتحادیه است.

اگر منظور نمونه هایی مانند کورس فرانسه و کاتلان اسپانیا باشد، به نظرم این مناطق بسوی جدایی می روند.

من تفاوت چندانی بین دولت غیر متمرکز دموکراتیک و فدرالیسم نمی بینم و آینده و برآیند دولت های غیر متمرکز و فدرالیسم یکی است.

ندای آزادی: در کشوری مانند ایران با توجه به تنوع زبانی، ملی و قومی آیا نظام فدرالیسم نظام مناسبی است. اگر آری چه نوع فدرالیسمی برای کشور ما مناسب است: فدرالیسم بر اساس تقسیمات جغرافیایی (استانی) و یا بر اساس زبانی- ملی/قومی؟

میرستاری: با توجه به نکات زبانی، قومیتی، آب و هوایی و جغرافیایی گوناگون در ایران، فدرالیسم بهترین شیوه اداره کشور است. برای کشوری مانند ایران با مردمان و فرهنگ های گوناگون، آن چه که بسیار مهم می باشد، پذیرش اصل فدرالیسم به عنوان روش اداره کشور است. تعیین نوع فدرالیسم در مرحله دوم قرار می گیرد و وظیفه افراد کاردان و سیاستمداران محلی و مرکزی است که برای اداره بهتر و دموکراتیک کشور، با توافق یکدیگر به تفاهم برسند و نوع فدرالیسم را مشخص کنند.

اگر دیدگاه مرا به عنوان یک شهروند ایرانی با یک حق رای و کسی که

در کشور فدرال بلژیک زندگی می کند، بخواهید در این باره بدانید، خیلی ساده است.

ما فدرالیسم زبانی نداریم. یعنی نمی توانیم بگوییم که چون آذری ها در تهران یا آبادان زیادند، بنابراین باید یک دولت محلی آذری در این نواحی داشته باشند. باید به کانون و اجاق فرهنگی، زبانی و جغرافیایی کشور و مردم توجه داشته باشیم. من مخالف واژه های ملی و خلق هستم. بنا به تعاریف بین المللی، ملت به مجموعه مردمانی که در یک کشور و با یک نام و یک پرچم و یک قانون اساسی زندگی می کنند، می گوئیم. برای مردمان و شهروندان یک ناحیه از کشوری، با خصوصیات و فرهنگ ویژه، واژه لاتین اتنیک به کار می رود که در زبان پارسی معادل آن، واژه « قوم » است. ملت ها یا ملل یک نماینده در سازمان ملل دارند و به عنوان یک کشور شناخته می شوند.

ما ملت های آلمان فدرال، بلژیک فدرال و آمریکای فدرال و روسیه فدرال داریم، اما ملت بایرن آلمان، ملت فلامان بلژیک، ملت تکزاس آمریکا و ملت بلاروسی روسیه نداریم. متأسفانه کسانی که گام به گام به سوی جدایی از ایران

می روند، می خواهند کم کم، ملت بلوچ، ملت کرد و ملت عرب... بسازند و از سیستم فدرالیسم سوء استفاده کنند. کاری که در اقلیم کردستان می خواست اتفاق بیافتد، از همین قماش بود. ما فدرالیسم را برای یکپارچگی و نزدیکی بیشتر مردم ایران و نه برای جدایی و تجزیه و پراکندگی می خواهیم.

بنابراین فدرالیسم را در ایران چه زبانی و فرهنگی و چه جغرافیایی در نظر بگیریم، همه آن ها بر هم منطبق می شوند و نتیجه یکی خواهد بود.

اگر بگوییم کرد زبانان یا کردها یا منطقه کردستان یک فدرال تشکیل دهند، نتیجه یکی خواهد شد. شاید عده ای کردهای کرمانشاه را با کردهای کردستان هم زبان و هم فرهنگ بدانند، اما این دو با هم تفاوت های زیادی دارند و تقریباً زبان یکدیگر را متوجه نمی شوند. منطقه بلوچستان، مردم بلوچ زبان و مردم با فرهنگ بلوچی، هر سه بر هم منطبقند.

بنابراین، بار دیگر می گوئیم که باید در باره بودن و نبودن فدرالیسم و سود و زیان آن گفتگو کنیم، اما ریزه کاری ها را بر عهده نمایندگان مردم در مجلس موسسان و شورای ملی آینده بگذاریم.

ندای آزادی: ساختار و محتوای نظام فدرالیسم براساس تقسیمات جغرافیایی چه تفاوتی با فدرالیسم بر اساس ملی/قومی دارد؟ بعنوان مثال شرط برخورداری از حقوق شهروندی (مانند حق انتخاب کردن و انتخاب شدن) در هر کدام از ایالات، ساکن بودن هر شهروند ایرانی در آن شهر و منطقه است، یا داشتن تعلقات قومی و ملی آن منطقه؟

میرستاری: به نظرم پاسخ این پرسش را کمی بالاتر دادم. فدرالیسم انواع و اقسام ندارد ولی اگر به گفته شما از هر شکلی که باشد، دموکراتیک و خوب است، زیرا مردم در سرنوشت خود به طور مستقیم دخیل هستند و خواست های خود را از دولت محلی یا قومی خود درخواست می کنند. حقوق شهروندی و حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در تمام سطوح محلی و فدرال و سراسری باید برای همه ساکنان آن ناحیه، تضمین شود. هر شهروند، تنها در محل سکونت همیشگی و دائم خود رای می دهد. به عنوان مثال: یک آذری ساکن شیراز نمی تواند در انتخابات شهرستان اردبیل شرکت کند.

در این جا می خواهم به تجربه بلژیک فدرال اشاره ای کنم:

بلژیک از لحاظ جغرافیایی به ۴ منطقه فدرال تقسیم شده است.

والون ها، فلامان ها، آلمان ها و بروکسل مختلط و دو زبانه،

از لحاظ فرهنگی به سه جامعه یا فرهنگ و زبان تقسیم شده است. آلمانی ها، فلامان زبان ها شامل منطقه فلامان ها و بروکسلی ها، فرانسه زبان ها، شامل والونی ها و بروکسلی ها (بروکسل شهر دو زبانه است).

این اتفاقات در ایران فدرال ما هم می توانند رخ دهند. مثلا ارومیه با دو فرهنگ و دو زبان آذری و کردی اداره شود و در سرتاسر شهر مدارس آذری و کردی باشند و همه کارمندان ادارات به سه زبان آذری، کردی و پارسی با مراجعین صحبت کنند.

ندای آزادی: آیا این چند حوضه ای که نام می بریم باید در اختیارات دولت مرکزی فدرال باشند؟: نیروی نظامی و دفاع از مرزها؛ روابط خارجی (وزارت امور خارجه)؛ برنامه ریزی های کلان و بلند مدت اقتصادی؛ سیاست های مالی، پولی و مالیاتی؛ استخراج معادن و منابع زیر زمینی؛ نظارت بر انتخابات و حسن اجرای قوانین در هر

ایالت؛ دادگاه‌ها و کل سیستم قضایی.

میرستاری: پاسخ من به همه پرسش‌های بالا، آری است و می‌خواهم وزارتخانه‌های ترابری، ورزش و زیستگاه را هم بر آن‌ها بیافزایم.

در پایان باز هم تکرار می‌کنم همان طوری که ایران باید به دست افراد شایسته و متخصص اداره شود، تقسیمات کشوری و شیوه‌های اداره کشور هم باید به دست افراد کاردان صورت گیرد که مسئله ساده‌ای نیست.